



ادعای رفع ممنوعیت

محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفته است، یکی از کارگردانان برجسته تئاتر به اوانامه‌ای نوشته و از موضوعی انتقاد کرده است و او بلافاصله ممنوعیت چند موضوع را با این نامه برطرف کرده است. این‌ها ضمن اعلام این خبر نوشت، اسماعیلی در مورد امکان بازگشت خوانندگان خارج از کشور در صورتی که برخی از هنرمندان داخل کشور با محدودیت مواجه هستند، گفت: «برای هنرمندان داخل کشور مشکلی برای عدم کار ایجاد نشده است؛ مگر کسانی که خودشان این مسئله را انتخاب کرده‌اند. به عنوان مثال فردی گفته بود که قانون جمهوری اسلامی را رعایت نمی‌کنیم؛ رعایت پوشش، قانون است و اگر کسی قانون را رعایت کند، هر سلیقه‌ای هم داشته باشد، برایش مشکلی پیش نمی‌آید. او همچنین گفت: «باید قانونی که مورد احترام همه است را قبول کنیم وگرنه از نظر ما، افراد در چارچوب قانون هیچ محدودیتی ندارند.»



عواقب حضور در جشنواره‌های خارجی

محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی در رابطه با حضور برخی آثار در جشنواره‌های خارجی بدون مجوز سازمان سینمایی به فارس گفت: «سینماگران باید برای هر حضورشان در حوزه بین الملل به سازمان سینمایی مراجعه کنند و مسئولان مربوطه همکاری می‌کنند و حتی اگر وقتشان کم باشد جلسات فوق العاده‌ای را برگزار می‌کنند.» او ادامه داد: «متأسفانه ما چند اثر داشتیم که بدون پروانه نمایش در جشنواره‌های خارجی حضور پیدا کردند، در سازمان سینمایی با این دوستان گفت‌وگو خواهد شد و قطعاً بحث‌هایی خواهیم داشت؛ این اتفاق که برای تعداد معدودی از افراد افتاده، در کارهای آتی که قصد انجام آن را دارند یا پروانه‌هایی که می‌خواهند دریافت کنند، تأثیر خواهد داشت.» خزاعی مدعی شد: «همه موارد با تعامل حل می‌شود اما بعضی علاقه‌ای به این تعامل ندارند؛ چراکه منافعشان در داخل کشور تعریف نشده است و دغدغه‌ای هم برای حضور داخلی فیلم ندارند.»



ماسک هوش مصنوعی گوگل را منتهی کرد

گوگل به دلیل برخی خطاهای گزارش شده توسط کاربران، اعلام کرد که مدل هوش مصنوعی Gemini فعلاً قادر به تولید تصویر اشخاص نیست. همین امر باعث شده تا ایلان ماسک، مدیرعامل تسلا به انتقاد از هوش مصنوعی غول موتور جست‌وجو بپردازد. دیجیاتو ضمن اعلام این خبر نوشت، ماسک در یکی از پست‌های خود نوشته است: «خوشحالم که گوگل با قابلیت تولید تصویر هوش مصنوعی خود با غرور بیجا دچار اشتباه شد و برنامه‌های نژادپرستانه و ضدتمدن دیوانه‌وار خود را برای همه مشخص کرد.» گوگل اعلام کرده بود: «از مشکل Gemini در تولید برخی از تصاویر تاریخی آگاه است.» غول فناوری توضیح داد که در حال تلاش برای بهبود فوری این قابلیت است و به‌زودی نسخه بهبودیافته آن را منتشر خواهد کرد. ماجرا از این قرار است که ظاهراً هوش مصنوعی گوگل در پاسخ به درخواست کاربران برای ساخت تصویری از یک گروه تاریخی یا شخصیت‌هایی مانند «پدران بنیان‌گذار ایالات متحده آمریکا»، با مشکل مواجه شده است و هیچ شخصیت غیرسفیدپوستی در نتیجه آن وجود ندارد.

گشت وگذار شمع لمپنیسم در ایران

چهار گفتار در نقد گسترش رویکردهای لمپنی در زیست عمومی ایرانیان



فرزاد نعمتی خبرنگار گروه فرهنگ

سیزدهمین همایش سالانه و بین‌رشته‌ای سلامت روان و رسانه در دو روز نخست اسفندماه ۱۴۰۲ در تهران با همکاری انجمن روانپزشکان ایران، موسسه نیکوکاری مجتبی معین و انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی برگزار شد. «امنیت روان، مدرسه و دانشگاه»، «اعتراض، روان و رسانه»، «لمپنیسم، سلامت روان و امنیت اجتماعی»، «عدالت، جنسیت، سلامت روان» و «کنشگر مجازی، امنیت روان و حقوق شهروندی» از جمله محورهای این همایش بودند. در ادامه گزارشی از نشست «لمپنیسم، سلامت روان و امنیت اجتماعی» این همایش که با حضور وحید شریعت، روانپزشک و متخصص مغز و اعصاب، بابک زمانی، متخصص مغز و اعصاب، سیدمحمد مهدی خویی، جامعه‌شناس و فردین علیخواه، عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان برگزار شد، تقدیم خوانندگان خواهد شد.

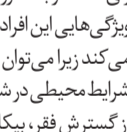
خطر گسترش لمپنیسم علمی



وحید شریعت/روانپزشک

لمپن غالباً به کسانی گفته می‌شود که در پی تغییراتی که در پی توسعه صنعتی در ساختار اجتماعی ایجاد شده است، به تدریج از کار خود یا اخراج می‌شوند یا توان ادامه کار پیدا نمی‌کنند. این افراد بدین ترتیب از طبقه خود که همان طبقه تولیدکننده بوده است، خارج می‌شوند و به قشر غیرمولد بدل می‌شوند. آنها با این امر از بسیاری از امتیازهای اجتماعی نیز محروم می‌شوند و چون آگاهی و مهارت بالایی هم ندارند در حاشیه اجتماع قرار می‌گیرند و در واقع متعلق به طبقه‌ای خاص نیستند. آنها برای گذران زندگی دست به کارهایی کاذب چون کلاهبرداری، دزدی و گدایی می‌زنند. این تلقی عمده‌ای است که در این دهه‌ها از لمپنیسم به وجود آمده است. افراد طفیلی که انگار و لول‌روزرگ می‌گذرانند. وضعیت این افراد وقتی با بی‌اصولی و بی‌اعتقادی به نظام ارزشی خاصی نیز پیوند می‌خورد آنها را به عمده قدرت سیاسی بدل می‌کند. البته این گروه نیز گاه از مزایای این ارتباط با قدرت بهره‌مند می‌شوند. از جمله ویژگی‌های قابل ذکر لمپن‌ها یکی می‌توان به زبان لمپنی اشاره کرد. زبان این گروه زیبا و مودبانه نیست و بیشتر ادبیاتی سخیف و خشن است. بسیاری از مواقع اصلاً این زبان برای تحمیل برتری و تسلط خود بر دیگران استفاده می‌شود. پایبندی چندانی نیز به مبانی اخلاقی در میان این گروه دیده نمی‌شود. در بدو امر، نوعی تمایل دلبستگی به سنت در میان آنها بروز پیدا می‌کند اما در عین حال هر جا لازم باشد، آنها این توان را دارند که اخلاق، قانون و سنت را تفسیر به رأی کنند و به طرز دلخواهی از آنها استفاده کنند. چنین ویژگی‌هایی این افراد را به شخصیت‌هایی دلچسپ برای قدرت بدل می‌کند زیرا می‌توان با لمپن‌ها، مخالفان را ساکت و سرکوب کرد. شرایط محیطی در شکل‌گیری و ترویج لمپنیسم بسیار مؤثر است؛ از گسترش فقر، بیکاری، دلالی، دزدی و زورگیری گرفته تا کاهش تولید، اشتغال، آموزش و... شبکه‌های اجتماعی نیز در نمایش این افراد و این رفتارهای لمپنی و ارضای کاذب نیاز به شهرت نزد آنها مؤثر است. لمپنیسم را اما نباید فقط به این افراد خاص منحصر کرد. برای نمونه امروزه لمپنیسم علمی نیز موضوعی قابل مطالعه است؛ افرادی تحصیلکرده که اصول اخلاقی ندارند، به اصول علمی و گروه علمی اعتقاد ندارند، تولیدکننده علم نیستند اما خود را با ترندهای زبانی علاقمند و دارای علم معرفی می‌کنند و گاه حتی پروفیسور، حکیم و استاد نامیده می‌شوند و ادعاهای عجیب و غریب و بدون پایه و اساسی نیز مطرح می‌کنند و با مخالفان‌شان نیز با خشونت کلامی و اتهام‌زنی مواجه می‌شوند. این افراد تمایل زیادی به تئوری توطئه و البته نزدیکی به قدرت دارند و می‌کوشند از این طریق اهداف خود را پیگیری کنند. این سنخ از لمپنیسم در دهه اخیر بسیار رشد کرده و تهدیدی برای فرهنگ ما شده است.

چاره‌ای نیست؛ توجه اخلاقی طبقه متوسط شده است



بابک زمانی/نورولوژیست و نویسنده

لمپن‌پرولتاریا یا لمپنیسم، اولین بار از ادبیات مارکسیستی برآمد و مارکس و انگلس بودند که به لمپن‌پرولتاریا اشاره کردند. منظور از این اصطلاح، گروه‌هایی است که به طبقه اجتماعی خاص متعلق نیستند و از قبل کارکرد پرولتاریا و سودمندی حاصل از آن زیست می‌کنند. در نگرش مارکسیستی، طبقه اجتماعی آگاهی اجتماعی را تعیین می‌کند و رفتار و بینش به طبقه اقتصادی

برمی‌گردد. در نتیجه لمپن‌پرولتاریا که به طبقه خاصی متعلق نیست، دارای این رفتار برآمده از فرهنگ طبقاتی هم نیست. این بینش اگرچه هسته‌ای از واقعیت را در درون خود دارد، اما اکنون کمی ساده‌انگارانه به‌شمار می‌آید. در اندیشه مارکسیستی کسی که به طبقه‌ای، به‌خصوص به طبقه کارگر، متعلق نیست جزو طبقات پیشرو محسوب نمی‌شود. این طبقات در بینش مارکسیستی مارکس و انگلس گروه‌های مخالف انقلابند و به ضدانقلاب کمک می‌کنند. در این بینش که اکنون به نظر ما ساده‌انگارانه است، همه چیز را انقلاب و ضدانقلاب تعیین می‌کند و طبق آن لمپن‌پرولتاریا از طبقات عقب‌مانده تاریخ و ضدانقلاب محسوب می‌شود. لنین این‌ها را در تئوری، ضدانقلاب می‌دانست اما در عمل، از آن‌ها در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ استفاده کرد.

طبق آن چه من در تاریخ ادبیات ایران جست‌وجو کردم، نگرش مارکسیستی مذکور نخستین بار در جزوه‌ای به‌نام «لمپن‌پرولتاریا»، نوشته شخصی به نام اکبری - از منتقدان حزب توده - تکرار می‌شود؛ همان نگرش خشک انقلابی و ضدانقلابی بدون در نظر گرفتن زندگی و حرکتهای اجتماعی روزمره. جای دیگری که در تاریخ معاصر ما از واژه لمپن بسیار استفاده شد، با نمایش فیلم «قیصر» بود. حتماً خاطرات هست که ساخت «قیصر»، سروصدایی به‌پا کرد. نویسنده جزوه لمپن‌پرولتاریا، در نقدی «قیصر» را نشانه لمپنیسم دانست و آن را با عناوینی از این دست نقد کرد که اولاً قیصر، لمپن است، ثانیاً قهرمانی فردی و نه مبلغ حرکتی اجتماعی است، ثالثاً در دفاع از گذشته است و با مدرنیته و اخلاق مدرن در ستیز است. این سه، اصول اعتقادات آن زمان چپ‌ها بود که زیر پا گذاشته شده بود. نتیجه‌گیری ام از این بحث آن است که بسیاری از این کلمات و اصطلاحات توسط جریان‌های سیاسی، به‌خصوص جریان سیاسی چپ و حزب توده، برای خطاب کردن مخالفان‌شان مورد استفاده قرار گرفت و در ادبیات مارکسیستی، لمپن به‌عنوان یکی از خصوصیات مخالفان به‌کار رفت. با توجه به عقبه لمپن‌پرولتاریا، شیوه‌ای را که برای خطاب کردن مخالفان مان‌با لمپن نامیدن به‌کار می‌گیریم، نباید از نظر دور داشت.

نظریه دیگری که به‌منظرم برای صحبت در مورد لمپنیسم در ادبیات علوم اجتماعی به‌کار می‌آید، نظریه فرودستان شهری آصف بیات است. به‌منظرم می‌آید این نظریه در جامعه ما کارایی بسیار دارد و با بحث لمپنیسم ارتباط پیدا می‌کند. این پروفیسور ایرانی یکی از دانشگاه‌های آمریکا، خود از حاشیه‌نشینان شهری بوده و غیر از تجربیاتش در ایران، شاهد تحولات مصر نیز بوده است. او عقبه تاریخی و اجتماعی لمپنیسم را در ایران تا حدود زیادی توضیح می‌دهد. خصوصیاتش که او برای فرودستان شهری برمی‌شمارد، خصوصیاتش که حرکت آن‌ها را تأثیرگذار می‌کند، مبنای نیروی اجتماعی لمپنیسم است. آصف بیات می‌گوید، این نیرو از عقبه اجتماعی مشترکی برخوردار است و اتفاقاتی تاریخی - اجتماعی موجب تبدیلیش به فرودستان شهری شده است. آن‌ها عقبه‌ای مشترک دارند؛ برای آن‌ها هیچ ارزش اخلاقی‌ای جز زنده ماندن و جان بدر بردن وجود ندارد. هیچ ارزش تاریخی‌ای که به خاطر آن کاری انجام دهند، برای‌شان تعریف نشده است. هیچ‌گونه اخلاقیات تاریخی هم ندارند و اگر تظاهری کنند و به رعایت چیزی می‌پردازند، مقطعی و برای جان بدر بردن است. در آن‌ها هیچ‌گونه ایده‌آلیسمی جز روزمرگی وجود ندارد. این‌ها رفتاری جدا از هم از خود نشان می‌دهند اما ممکن است به‌خاطر عقبه و خصوصیات اخلاقی مشترک، رفتارهای واحدی را هم انجام دهند و این رفتارهای واحد می‌تواند کاملاً غیرقابل پیشبینی باشد. آن‌چه با ذکر این خصوصیات

به‌منظرم می‌رسد این است که بخشی مهم از رفتارهای نه‌تنها لمپن‌ها، بلکه بخشی از رفتارهای اجتماعی رایج ما، این‌گونه است. فرودستان شهری، کسانی که در کناره‌های شهر و حلیی آبادها زندگی می‌کنند و خانه‌های غیرقانونی می‌سازند چون هر روز از خاکستر شروع می‌کنند و چیزی جز زنده ماندن برای‌شان اهمیت ندارد، از هر وسیله‌ای برای رساندن خود از امروز به فردا بهره می‌برند. به‌نظر آصف بیات پیدایش امرانه‌ها و بالای مدرنیته در ایران به پیدایش فرودستان شهری منجر شد و این‌ها در دوره تاریخی ایفای نقش کردند؛ یکی انقلاب سفید در سال ۱۳۴۱ و دیگری انقلاب سال ۱۳۵۷. او می‌گوید که برخلاف تصور عمومی، فرودستان شهری چندان نقشی در انقلاب سال ۱۳۵۷ نداشتند و به‌رغم این که طبقه متوسط به دنبال ایده‌آل‌های خود و انقلاب بود، این‌ها به دنبال همان حرکت آرام شهری و اهداف روزمره خود بودند. آصف بیات می‌گوید، این نوع فرهنگ و اخلاقیات نه یک گروه اقتصادی که یک گروه فرهنگی و اجتماعی است و با گسترش و غلبه در بقیه طبقات هم صدق پیدا می‌کند و می‌تواند با حرکت‌هایی هم‌زمان، هماهنگ و غیرمنسجم منجر به کسب قدرت سیاسی شود. به نظر می‌رسد که وجود چنین عقبه‌ای در زیر پوست شهر ما توجیه‌کننده بسیاری از رفتارهایی است که ما آن‌ها را لمپنیسم می‌دانیم. آصف بیات می‌گوید، رفتار مخرب لمپن‌پرولتاریا رفتار گروه‌هایی است که می‌خواهند با چنگ و دندان از رنج و مشقت‌هایی پیدا کنند اما به دلایل پرشمرده، هیچ اخلاقیات خاصی برای‌شان وجود ندارد و هدفشان فقط زنده ماندن است. او می‌گوید، این‌ها را ابتدا نباید حاشیه‌شمر، این‌ها در بطن جامعه هستند و رفتارشان نفوذکننده است و نفوذ این رفتار در طبقه متوسط، رفتار سیاسی آن را تحت شعاع قرار می‌دهد و بسیاری از رفتارهای ما را توجیه می‌کند. آصف بیات در جمله‌ای کلیدی می‌گوید، چیزی که اخلاقیات طبقه متوسط شهری را توجیه می‌کند عبارت «چاره‌ای نیست» است. این توجیه اخلاقی مرتب برای زنده ماندن به‌کار می‌رود. با توجه به این که او لمپنیسم را به طبقه‌های اقتصادی که رفتاری فرهنگی - اجتماعی می‌دانند، می‌توانیم رد «چاره‌ای نیست» را در بسیاری از رفتارهای اجتماعی نه‌فقط کسانی که لمپن می‌دانیم‌شان بلکه بسیاری از افراد مشاهده کنیم. پس نفوذ این نوع رفتار، امتداد رفتار تهری دستان شهری است که در کشور ما به‌دلایل اقتصادی گسترش و بر رفتار اجتماعی گروه‌های دیگر غلبه پیدا کرده است. نکته بسیار با اهمیت رفتار این‌ها، دنبال کردن مقاصد برای زنده ماندن و امروز را به فردا رساندن است و چون هماهنگ با هم عمل می‌کنند، نتایجی هم به‌دست می‌آورند. ضمن این که رفتارشان به‌رغم هماهنگی، به فعالیت‌های همگانی منجر نمی‌شود. به این معنا که به‌عنوان مثال، قادر به اعتصاب برای رسیدن به هدفی نیستند. با دقت به این نکته متوجه می‌شوید که خصوصیات اخلاقی بسیاری از گروه‌های اجتماعی همین‌گونه است و قادر به چشم‌پوشی مقطعی از منفعتی شخصی برای رسیدن به هدفی جمعی نیستند و این جزو رفتار اجتماعی تهری دستان شهری است که فقط به دنبال زنده ماندن هستند.

کندر از لوطی‌گری به بلاگری

فردین علیخواه/جامعه‌شناس



دربار اصطلاح لمپنیسم یا تعبیر لمپن در مطالعات تاریخی و جامعه ایران، برداشت‌های کمی‌میش متفاوتی وجود دارد. در کنار این، واژه‌های دیگری نیز در جامعه ایرانی کاربرد پیدا کرده‌اند که به‌نحوی به بحث لمپنیسم تنه

